

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه طه (جله اول)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۹۴/۲/۹

سوره مبارکه طه، باز کننده قلب است. هر کس که قلبش از دنیا گرفته و فشار زندگی اش زیاد شده و به نفس نفس افتاده، توصیه می شود سوره مبارکه طه را بخواند. یکی از سوره هایی که خیلی خوب می تواند نشاط را در زندگی ما بیاورد سوره مبارکه طه است.

در این سوره تشقی به سه معنی آمده است: به رنج افتادن، دور افتادن از خدا، بد عاقبتی.

آیه ۴ با "الا" آب پاک را روی دست همه ریخت و می گوید که تنها برای کسی است که خشیت دارد یعنی حرف حق به دلش می نشیند لذا تاثیر پذیری از حق را خشیت می گویند.

خودتان را امتحان کنید ببینید دوست دارید دیگران عیب هایتان را به شما بگویند. اگر جوابتان خیر است یعنی خشیت ندارید. انسان باید تاثیر پذیری داشته باشد. من باید از صبح که بلند می شوم دوست داشته باشم که کمال پذیری، حالا با هر وسیله ای هم که شده در من اتفاق بیفتد.

نشانه خشیت، میل به تغییر کردن است و قرآن برای چنین آدمی "تذکره" است.

خدا، هم جهر را می فهمد و هم اخفی را یعنی نظام سنجش خیلی دقیق تر از آن چیزی است که شما متوجه می شوید. "سر" یعنی باطنی که ممکن است خود فرد هم خبر نداشته باشد، اخفا آن چیزی است که خود فرد اطلاع دارد. (۷)

هر زمان که دلتان گرفت سوره مبارکه طه را از آیه ۱ تا ۸ گوش کنید.. قلب را باز می کند.

در این سوره هنگامی که متکلم خداست و مخاطب پیامبر صلوات الله علیه است، با زمانی که باز هم متکلم خداست ولی مخاطب آن حضرت موسی علیه السلام است خیلی نزدیک است لذا قربش زیاد است. یعنی خدا تکلم خودش با موسی علیه السلام را برای پیامبر (ص) تعریف می کند، فکر کنید خدا یک تکلمی را در این عالم رقم زده و در مورد آن با پیامبر (ص) صحبت می کند.

در مکتب قرآن هر کسی که به قرب بیشتر نزدیک شود امر به عبودیت و صلاة را بیشتر دریافت می کند لذا در مکتب قرآن نشانه قرب، امر به عبودیت و صلاة است پس ملاک قرب خدا بالا رفتن عبودیت و اهتمام به نماز است. سومین مولفه که در قرب خدا خیلی موضوعیت پیدا می کند توجه به معاد و روز قیامت است یعنی آدم این گونه می فهمد به خدا نزدیک شده است که عبودیت خالصانه برای خدا برایش مهم تر شده باشد، نماز برایش مهمتر شده باشد، قیامت برایش مهمتر شده باشد.

خیالات، خطورات، مرور گذشته و توجه زیاد به آینده موجب می شود توجه به نماز کمتر شود. حال نماز مهم نیست اهتمام به نماز مهم است، اهمیت دادن به نماز مهم است.

همه ما باید بدانیم در جامعه کسانی هستند که ایمان به خدا ندارند و جنبه القائی هم دارند، یعنی ناراحت می شوند بفهمند که ما مومن هستیم که به این البته حسد می گویند به این معنا که شخص حسود می فهمد که این یک نعمت است. (۱۶)

حضرت موسی علیه السلام هم که باشی باید مواظب افراد بی ایمان باشی، ما که جای خود داریم! اگر ما از یاد قیامت ذهنت غافل شویم هلاک می شویم و بخاطر همین انذار می دهد که در جامعه چنین مساله ای وجود دارد.

الان در جامعه و رسانه ... القانات فراموشی قیامت زیاد است. موسیقی در ورزش، در مسیر رفت و آمد و ... تعمداً نظام اش را بر فراموشی مرگ استوار کرده است.

اگر یک موقعی خدا نصیبتان کرد که یک عالم الهی را ملاقات کردید و گفت این کار را بکن باید بگویی چشم، این کار را می کنم. و اگر سوالی پرسید ولو این که جوابش را می داند، جواب دهید و به جای او فکر نکنید و اجتهاد نکنید. (۱۷ و ۱۸)

خیلی از مشکلات جاری زندگی ما از عدم علم نیست، بلکه از ناحیه عمل نکردن است.

ما همیشه در محضر خداییم و خدا به وسیله رسولان و انبیاء علیهم السلام خواسته هایش را از ما خواسته و ما هم هیچ شکمی در مورد این اوامر نداریم. پس انسان باید این حس را در خود تقویت کند که در محضر خداست.

در ابتدا انسان نسبت به امر خدا ابهام ندارد فلذا اگر به اوامر و نواحی عمل کرد ابهاماتش برطرف می شود.

کسی که در زندگی ابهام دارد باید به زندگی اش برگردد و دقت کند در چه مواردی ابهام ندارد وقتی آن‌ها را انجام بدهد بقیه ابهاماتش هم برطرف خواهد شد.

خیلی از کارها هست که به ما گفته‌اند و ما می‌دانیم ولی عمل نمی‌کنیم. یکی از مهمترین عوامل همه بیماری‌های روانی، لجبازی است. وسواس و افسردگی پایه‌اش لجبازی است.

لجبازی یعنی این که آن شخص در آخر به ما می‌گوید: تو این کار را بکن، بمیر و بکن!

آدم از سر لجبازی خودش را در معرض بلایا قرار می‌دهد.

هر کدام از ما به برکت ماه مبارک رجب و امروز که ولادت حضرت جواد علیه السلام است باید بنشینیم و کارهایی که می‌دانیم باید انجام بدهیم را بنویسیم و قصد جدی کنیم تا آن‌ها انجام دهیم.

این خیلی مهم است که انسان غایت زندگی اش را این‌طور قرار دهد که خدایا، ما را جزء مسیحین و ذاکرین قرار بده. خیلی خوب است که آدم این فکر را بکند اما بالاتر از فکر کردن این است که خدا کاری بکند که تعداد بیشتری تسبیح و ذکر تو را کنند. (۳۳ و ۳۴)

یکی از کارهایی که خداوند انجام می‌دهد این است که انسان را نسبت به الطافی که در گذشته به او شده متذکر می‌کند.

در مورد خواطر، اگر خاطره‌هایی در شما مرور می‌شود که لطف خدا را نشان می‌دهد رحمانی است و اگر خاطراتی مرور می‌شود در سختی‌ها و مشقت‌ها خدا رهایتان کرده اینها شیطانی است.

آیات ۳۸ به بعد نه فقط در مورد حضرت موسی علیه السلام بلکه در مورد همه ما صدق می‌کند. هر کدام از ما صحنه‌هایی از زندگی داشتیم که در حال هلاکت بودیم ولی خدا نجات‌مان داده و با همین لطافت هم نجات‌مان داده‌است.

اگر انسان خاطرات خوش الهی را فراموش کند حتما در دام خواطر شیطانی می‌افتد مثلا معلم‌های خوب و یا دوستان خوب قدیمی را دعا کنید.

این آیات، آیات جالبی است و اتفاقاتی است که برای ما افتاده است. اگر کسی گفت این آیات برای حضرت موسی علیه السلام است، می‌گوییم شما دعای عرفه را مطالعه کنید امام حسین علیه السلام همین حرف‌ها را با بیان دیگری مطرح کرده‌اند.

در آیات خاطرات منفی هم می آید و غایت این خاطرات ملاقات خدا می شود.

خدا همه ما را برای خودش ساخته است (۴۱) و اگر این موضوع را قبول نداشته باشید به این معنی است که خدا انسان را برای کس دیگری ساخته است!

آیه ۴۴: در مقام تکلیف حال تو باید اینگونه باشد که احتمال اثر را بدهی و فکر نکنی این شخص به هیچ وجه خوب نمی شود. اینجا امیدواری صد در صد به خدا، در مقابل یک دشمن صد در صد معاند مطرح است.

بحث هایی که در نظام سازی جامعه مطرح می شود با نظام سازی فردی متفاوت است لذا اشتباه افراد در مورد این آیات این است که این آیات را در دل یک نظام متوجه نشدند.

بیان این موضوع از زبان حضرت موسی علیه السلام دغدغه ای است که از شهر قبلی در ذهنش بوجود آمده است که زمینه ای در آن برای انجام کارها وجود نداشته است. مثل این است که می گوید موسی برو این کار را بکن و او هم بگوید که مردم توان انقلاب کردن را ندارند و من خوف دارم.. خوفش هم به خاطر شهید شدن نیست بلکه به خاطر اتفاق نیفتادن "نَخَافُ أَنْ يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَى" است.

خوف ترس طبیعی است ولی خشیت ترس واقعی است که در برابر خداست. خوف در طبع بشری انسان است و خشیت در نظام باوری انسان است.

در نظام بشری حضرت موسی علیه السلام خوفش به استقرار حکومت حق بوده است نه ترس از دیگری.

در پایان همه دوستان یک حاجتی را که برایش مهم است و می خواهند استجاب شود.. بالاخص یک نقص خاص را در تقرب به خدا در نظر بگیرند و نیت کنند تا برطرف گردد به برکت صلوات بر محمود آل محمد.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات